

خبرخوان

کاهش ۴۰ درصدی بارش در ایران

ایستنا: براساس داده‌های سازمان هواشناسی، کشور در سال آبی جاری تا ششم مردادماه، ۴۰ درصد با کاهش بارش روبه‌رو بوده و در این مدت ۱۳۷ میلی‌متر بارش دریافت کرده است. این در حالی است که میانگین بلندمدت بارش کشوری در این بازه زمانی ۲۲۸.۲ میلی‌متر بوده است. براساس داده‌های سازمان هواشناسی در هفت روز گذشته منتهی به ششم مردادماه به طور میانگین ۰.۱ میلی‌متر بارش دریافت شده که این میزان در بلندمدت یک میلی‌متر است، بنابراین ۹۴.۲ درصد بارش کمتری در این بازه زمانی دریافت شده است. از ابتدای ماه جاری منتهی به ششم مردادماه به طور میانگین ۰.۱ میلی‌متر بارش ثبت شده، درحالی‌که میزان آن در بلندمدت ۰.۷ میلی‌متر است. در نتیجه بارش در مقایسه با بلندمدت ۹۳ درصد کاهش یافته است. از ابتدای فصل جاری منتهی به ششم مردادماه در کشور به طور میانگین ۲.۷ میلی‌متر بارش دریافت شده که در مقایسه با بارش ۴.۶ میلی‌متری بلندمدت، ۴۰.۵ درصد کاهش یافته است. از ابتدای سال جاری تا ششم مردادماه به طور میانگین ۱۳۷ میلی‌متر بارش در کشور ثبت شده که در مقایسه با میانگین بلندمدت با مقدار ۲۲۸.۲ میلی‌متر با کاهش ۴۰درصدی بارش روبه‌رو بوده است. جدول اطلاعات پهنه‌ای بارش استان‌ها از ابتدای سال آبی جاری (اول مهرماه سال گذشته) نشان می‌دهد همه استان‌ها در مقایسه با دوره بلندمدت بارش کمتری دریافت کرده‌اند. با وجود اینکه درحال‌حاضر سامانه جوی مؤسسون در جنوب و جنوب شرق کشور فعال است اما در زمینه کاهش بارش در مقایسه با دوره بلندمدت، سیستان‌وبلوچستان بدترین وضعیت را تجربه می‌کند، چراکه ۷۳.۴ درصد کمتر از حد نرمال در سال آبی جاری بارش دریافت کرده است. همچنین هرمزگان ازجمله استان‌های کم‌بارشی است که با اختلاف کمی از سیستان‌وبلوچستان، کاهش ۷۳.۱ درصدی بارش را داشته است. استان تهران نیز با کم‌بارشی روبه‌رو بوده است، درحالی‌که میانگین بارش تهران در بلندمدت ۲۷۰ میلی‌متر است ولی در سال آبی جاری تنها به طور میانگین ۱۴۰.۷ میلی‌متر بارش دریافت کرده که نشان‌دهنده کاهش ۴۷.۹ درصدی بارش در این استان است. سال آبی در ایران از اول مهرماه شروع می‌شود و تا ۳۱ شهریور سال بعد ادامه می‌یابد.

حکم اعدام برای قاتل «اله‌ه حسین‌نژاد»

براساس اعلام رئیس کل دادگستری استان تهران، قاتل الهه حسین‌نژاد به قصاص محکوم شد. علی‌القاصی، درباره آخرین وضعیت رسیدگی به پرونده قتل مرحومه «اله‌ه حسین‌نژاد» گفت: «از بدو وقوع این جنایت، رسیدگی به پرونده مورد اشاره به طور ویژه در دستور کار قرار گرفت و با توجه به تأکیدات انجام‌شده، رسیدگی به این پرونده به‌صورت خارج از نوبت انجام شد.» القاصی ادامه داد: «فرانید انجام تحقیقات در این پرونده با رعایت همه مسائل فنی و کارشناسی انجام شد و پرونده برای رسیدگی به شعبه ویژه دادگاه کیفری یک استان تهران ارجاع داده شد و در روزهای اخیر نیز جلسه دادگاه رسیدگی به پرونده برگزار شد. درحال‌حاضر رأی دادگاه مبنی بر محکومیت متهم به قصاص نفس صادر شده که این رأی از ۲۰ روز قابل فرجام‌خواهی در دیوان عالی کشور است.»

آلایندگی ۱۰ درصداصناف شهر تهران

مهتر: مدیر کل محیط زیست شهرداری تهران گفت: «طبق آمار موجود، در سطح شهر تهران هشت هزار واحد صنفی وجود دارد که طبق نظر کارشناسی برآورد می‌شود ۱۰ درصد از این اصناف آلاینده هستند.» محمدصابر باغخانی‌پور ادامه داد: «طبق آمار موجود، در سطح شهر تهران هشت هزار واحد صنفی وجود دارد که طبق نظر کارشناسی برآورد می‌شود ۱۰ درصد از این اصناف آلاینده باشند، بنابراین این موضوع خود دلیل محکمی بر پایش و شناسایی مستمر اصناف و مراکز آلاینده در قالب مانورهای محیط‌زیستی است.» او افزود: «پس از شناسایی واحد آلاینده مدنظر، متناسب با موضوع آلایندگی باید اعمال قانون از طریق منطقه انجام شود و پس از آن به مراجع ذی‌صلاح ارجاع داده شود.» او در زمینه اهمیت شناسایی مستمر منابع آلاینده افزود: «اداره کل محیط زیست با همکاری سازمان فناوری اطلاعات شهرداری اقدام به راه‌اندازی سامانه پایش منابع آلاینده کرده است که این سامانه به‌زودی در دسترس عموم قرار خواهد گرفت.»

صدور سند مالکیت برای تخت جمشید

اسناد مالکیت تخت جمشید، باغ ارم، سد درودزن و دریاچه پریشان از سوی سازمان ثبت اسناد و املاک کشور صادر شد. در مراسمی با حضور رئیس سازمان ثبت اسناد و املاک کشور، جمعی از مقامات قضائی و اجرائی استان فارس، اسناد مالکیت تک برگ و حدنگاری‌شده چهار اثر طبیعی، تاریخی و زیرساختی کشور، به متولیان مربوطه اهدا شد. این اسناد شامل مجموعه جهانی تخت جمشید، باغ گیاه‌شناسی ارم، سد درودزن و دریاچه پریشان است که پس از طی فرایند دقیق تثبیت مالکیت و اجرای این مراسم گفت: «با اهدای اسناد رسمی و حدنگاری‌شده به دستگاه‌های مسئول، کام بزرگی در مسیر تثبیت مالکیت ملی و میثاق حقوقی از میراث تمدنی، منابع طبیعی و زیرساخت‌های کشور برداشته شده است.» او افزود: «مجموعه‌هایی مانند تخت جمشید و باغ ارم، نه‌تنها میراث فرهنگی ایران، بلکه بخشی از هویت جهانی ما هستند. همچنین منابعی نظیر دریاچه پریشان یا سد درودزن، در زمره ذخایر استراتژیک ملی قرار دارند و تثبیت مالکیت آنها به جلوگیری از سوءاستفاده و تعرض‌های احتمالی کمک شایانی می‌کند.» او سند رسمی، نه‌تنها پشتوانه حقوقی مالکیت است، بلکه ابزار مدیریت بهینه و پاسخ‌گویی دقیق‌تر دستگاه‌های متولی نیز به شمار می‌آید.

تشکیل پرونده قضائی برای آتش‌سوزی آبدیر سنجند

رئیس کل دادگستری استان کردستان از تشکیل پرونده قضائی برای آتش‌سوزی آبدیر سنجند خبر داد. حسین حسینی گفت: «براساس برآوردهای اولیه، مساحت آتش‌سوزی کوه آبدیر ۱۵۰ هکتار (مشرف به روستای حسن‌آباد) است و در این زمینه دستگاه‌های امنیتی، انتظامی و منابع طبیعی مکلف به شناسایی دقیق و برخورد قانونی با مقصران احتمالی هستند.» او افزود: «متعاقب آتش‌سوزی اخیر در کوه آبدیر سنجند (دوم مردادماه) که متأسفانه منجر به فوت سه نفر شد، پرونده قضائی در شعبه ویژه بازپرسی دادسرای عمومی و انقلاب مرکز استان تشکیل شده و دستورات قضائی و انتظامی برای شناسایی و برخورد با مقصران احتمالی این حادثه آغاز شده است.» حسینی ادامه داد: «حفاظت از منابع طبیعی، مسئولیتی حاکمیتی و همگانی است و دستگاه قضائی در چارچوب وظایف قانونی خود، بر اجرای مصوبات و انجام تعهدات دستگاه‌ها نظارت مستمر خواهد داشت.» حسینی همچنین با اشاره به وظایف قانونی دستگاه‌ها در این حوزه افزود: «هرگونه ترک فعل در زمینه پیشگیری و مقایله با آتش‌سوزی‌ها در چارچوب مقررات، مورد پیگرد قضائی قرار خواهد گرفت و هیچ دستگاهی در قبال جان و مال مردم و منابع طبیعی مصون از مطالبه‌گری و پاسخ‌گویی نیست.»

میان‌ه روز است، در تصاویر مرئی و پردازش‌شده ماهواره‌ای از گردوخاک در ایران در میانه تیرماه، هر گوشه‌ای درگیر یک منبع گردوخاک است. انکار جنگی در میانه این سرزمین پیدااست؛ جنگی به‌واقع نفس‌گیر. چون هم نفس را به معنای واقعی کلمه درگیر کرده و هم زندگی این مردم را، شاید عجیب به نظر نیاید که در این سرزمین خشک و نیمه‌خشک، که شاکله‌اش خشکی بوده و بیابان، این‌گونه رفتار گردوخاک شدن. چه افسوس که این گرفتاری زرد، بخشی نتیجه اشتباهات مستقیم انسان ایرانی است و بخشی به‌طور کلی مربوط به نوع بشر. از هیچ‌کدام هم گریزی نیست. به تصویر نگاه می‌کنی، شمال سیستان‌وبلوچستان زیر تازیهانه گردوخاک‌های شمالی (توفان‌های ۱۲۰روزه سیستان)، نیمه غربی شمال کرمان و یزد درگیر گردوخاکِ دیگر. جنوب کرمان حال خوبی ندارد، در حوضه جازموریان حجمی از گردوخاک نگاه‌ها را به خود شلب می‌کند. نیمه غربی کشور زیر هجوم گردوخاک‌های برخاسته از سوی کشورهای بیابانی در غرب. جنوب غربی، بی‌ام‌ان زیر تاخت‌وتاز گردوخاک رها شده است. مقصد نهایی این گردوخاک‌ها انباشت آن در دامنه‌های جنوبی البرز در استان‌های تهران و البرز است. حالا به آلودگی صنعتی، گردوخاک هم اضافه شده است. در فصل سرد سال، انباشت هوای آلودگی و وارونگی، میزان آلودگی را بالا می‌برد و نگاهی به آسمان بود که بادی بوزد، هوایی بیاید و آسمان صاف شود. انکار دیگر باد هم هوا را نه‌تنها صاف نمی‌کند، بلکه گردوخاک می‌آورد. قبلا درباره گردوخاک، خیال‌ها از کیفیت هوای شمال جمع بود، شمال مأمنی برای نفس‌کشیدن و تنفس هوای خوب بود، اما این‌ن تصویر دیگر رمقی از خیال‌جمعی برای شمال ندار؛ در حالی هم بی‌نفس است. گردوخاک‌هایی که از خوارزم آمده، سرخی را به سبزی شمال برده؛ چه ارمغان شومی. حداقل در دهه ۸۰ و تا میانه ۹۰، تنها بار سنگین گردوخاک‌های همسایگان دور و نزدیک ایران بود که امان از نفس ایران بریده بود اما حداقل در ۱۰ سال اخیر، با یک نشانی ویژه از گردوخاک ۱۳۹۴ تهران، مراکز نوظهور گردوخاک فلات ایران هم که بسیاری همان تالاب‌های حوالی بود، در مشقت را افزودند. جنگ، جنگی خارجی و داخلی است. کیست که نداند در حوالی بسیاری از شهرها و آبادی‌های ما در این فلات خشک، در میانه رشت‌ها، تالاب‌ها، آبگیرها، کویرهای مرطوبی وجود داشت که به کمک خشک‌سالی‌ها و قطع جریان آب به میانه دشت‌ها، عملا تبدیل به کانون‌های گردوخاک شده‌اند و این آبگیرها، دریاچه‌ها و تالاب‌ها چه زیاد هستند. نقشه‌های چاپ‌شده ایران را که می‌دیدی، در میانه بسیاری از بیابان‌ها رنگی آبی خوندنمایی می‌کرد، دریاچه نمک حوض سلطان، دریاچه اورمیه، دریاچه قم، دریاچه حاج علی‌قلی، جازموریان، تالاب میقان، گندمان، سولقان، صالحیه و… برای بسیاری همین دریاچه‌ها، تالاب‌های فصلی، حتی دریاچه‌های نمک، پهنه‌های بی‌ارزشی بودند که نیازی به حقایبه نداشتند و اصلا به نظر نمی‌آمدند، ولی به‌هم‌خوردن تعادل اکولوژیک و ناترازی آبی، همین موهبت‌های پیرامون ما را به بلای جانکاه تبدیل کرده است. در نتیجه امروز، کل فلات ایران، از شمال تا جنوب، از شرق تا غرب، از تمام منابع درگیر گردوخاک است و تنها یادآوری یک آمار، خود گواهی است بر عمق بحران؛ ایستگاه آستارا بر کرانه دریای کاسپین خرداد ماه را با ۱۹ روز گردوخاکی

و تیرگی جوی به پایان رساند. شرایط موجود از دیدگاه جهانی، با توجه به روند افزایشی و پیوسته گرمایش جهانی و تغییر آب‌وهوا و همچنین تاترازی‌های فعلی آب که عملا دشت‌های داخلی را به بیابان‌های خشک و بی‌آب تبدیل کرده است، نشان از آینده‌ای دشوارتر دارد؛ بنابراین شاید بتوان با اقداماتی در زمینه پیش‌گامی و هشدار، افزایش تاب‌آوری، کاهش اثرات، سازگاری، کم‌ی از آلام این پدیده کاست. این‌ن عادی‌بودن و بی‌تفاوت‌بودن هم از سوی دولتمردان و هم مردم ایران آن‌هم در میانه این وضعیت اضطراب، فزماش زوال خواهد بود، زوال یک تمدن، بدون چکاندن ماشه یک تفنگ.

مخاطره‌گرد و خاک

توفان‌های گردوخاک رسماً از طریق سازمان هواشناسی جهانی (WMO) به‌عنوان نتیجه پادهای سطحی که مقادیر زیادی گردوخاک را در هوا بلند می‌کنند و دید در سطح چشم (۱٫۸ متر) را به کمتر از هزار متر کاهش می‌دهند، تعریف می‌شوند. تعاریف اندازه‌ذرات گردوخاک معدنی متفاوت است. به طور کلی، مطابق با نظریه‌های مربوط به سرعت ته‌نشینی، بیشتر ذراتی که در فاصله بیش از صد کیلومتر از منبع



عکس:محمدحسن‌پور

دو متخصص هواشناسی جزئیات وضعیت گرد و خاک و منابع ورود آنها به کشور را تشریح کردند

فلات ایران در محاصره غبار

کل فلات ایران، از شمال تا جنوب، از شرق تا غرب، از تمام منابع درگیر گرد و خاک است. روند افزایشی و پیوسته گرمایش جهانی و تغییر آب و هوا و همچنین ناترازی‌های فعلی آب، نشان از آینده‌ای دشوارتر دارد

سامانه‌نگاه

هواشناس

نیمافریدمجمهدی

آب‌وهواشناس

منتقل می‌شوند، قطری کمتر از ۲۰ میکرون دارند. درحالی‌که بیشتر انتشار و گسیل گردوخاک از منابع طبیعی، به‌ویژه بستر دریاچه‌های خشک که پوشش گیاهی با فعالیت انسانی کمی دارند، ناشی می‌شود، فرسایش بادی یک مشکل مهم در دریاچه‌های تحت سلطه انسان است و به توفان‌های گردوخاک کمک می‌کند. در سطح جهان، ۳۲ میلیون کیلومتر مربع از زمین مستعد فرسایش بادی است که ۱۷ میلیون کیلومترمربع آن حساسیت بالا یا بسیار بالایی دارد. در این شرایط، کاهش رطوبت خاک و پوشش گیاهی یک عامل خطر مهم برای فرسایش بادی و توفان‌های گردوخاک است. دلیل این است که نبود رطوبت و پوشش گیاهی سرعت باد را افزایش می‌دهد، سطوح را در معرض قرار می‌دهد، معمولاً سطوح را ناپایدارتر می‌کند و به دام افتادن ذرات شن و گردوغبار را کاهش می‌دهد. پیش‌بینی‌های تغییرات آب‌وهوایی نشان می‌دهد مناطقی که درحال‌حاضر مناطق غبار‌آلود هستند و احتمالاً خشک‌تر خواهند شد، بیشتر شامل مناطق مدیترانه‌ای اروپا و آفریقا، شمال صحرا، آسیای مرکزی و غربی، جنوب غربی ایالات متحده آمریکا و جنوب استرالیا می‌شوند.

رسوب گردوخاک اثرات زیست‌محیطی مثبت و منفی دارد. گردوخاک بر سامانه آب‌وهوایی تأثیر می‌گذارد، احتمالاً تعادل تابشی زمین را تغییر می‌دهد و توفان‌های گرمسیری را متأثر می‌کند که می‌تواند باعث تشدید خشک‌سالی شود. از سوی دیگر، گردوخاک می‌تواند با عمل به‌عنوان هسته‌های قطرات، بارندگی را در برخی نواحی افزایش دهد. گردوخاک مواد مغذی را برای اکوسیستم‌های زمینی و آب‌های سطحی اقیانوس و بستر دریا فراهم می‌کند و بهره‌وری اولیه را افزایش می‌دهد، به‌ویژه از طریق کاهش محدودیت فسفر به تثبیت نیتروژن، و از طریق تثبیت آهن که رشد فیتوپلانکتون‌ها را افزایش می‌دهد. بهره‌وری اولیه به نوبه خود بر چرخه کربن جهانی تأثیر می‌گذارد. گردوخاک صحرا، جنگل‌های بارانی آمازون را کود می‌دهد و ورودی فسفری قابل مقایسه با تلفات هیدرولوژیکی از حوضه را فراهم می‌کند. به طور مشابه، جنگل‌های بارانی هاوایی ورودی‌های مغذی را از گردوخاک آسیای مرکزی دریافت می‌کنند. از سوی دیگر، گردوخاک آفریقا و آسیا ممکن است اثرات مضرى بر صخره‌های مرجانی در قاره آمریکا داشته باشد. اما در مجموع، حداقل برای بشر، به‌ویژه اثرات فراوانی و شدت روزافزون آن امری تهدیدکننده محسوب می‌شود.

گردوخاک به‌ویژه در مناطق خشک و نیمه‌خشک باعث مشکلات متعدد سلامت انسان در سطح جهان می‌شود. استنشاق ذرات ریز می‌تواند باعث ایجاد یا تشدید بیماری‌هایی مانند آسم، برونشیت، آفیمیز (آسیب کیهسه‌های هوایی در ریه‌ها) و سیلیکوزیس (فیروز ریه) شود. قرارگرفتن مزمن در معرض گردوخاک ریز با مرگ زودرس ناشی از بیماری‌های قلبی – عروقی و تنفسی، سرطان ریه و عفونت‌های حاد تنفسی تحتانی مرتبط است. گردوخاک ریز حامل طیف وسیعی از آلاینده‌ها، هاگ‌ها، باکتری‌ها، قارچ‌ها و آلرژن‌های بالقوه است. دیگر مشکلات رایج شامل عفونت‌های چشمی، سوزش پوست، مننژیت مننوکوکوی، تب دره، بیماری‌های مرتبط با شکوفایی جلبکی سمی و مرگ‌میر و جراحات مربوط به تصادفات حمل‌ونقل است. توفان‌های گردوخاک تأثیرات اقتصادی گسترده‌ای، چه فوری و چه بلندمدت، دارند. علاوه بر تأثیرات زیست‌محیطی و بهداشتی فوق، هزینه‌ها کوهانه‌مدت



شامل آسیب به محصولات کشاورزی، مرگ‌میر دام، آسیب به زیرساخت‌ها (مانند ساختمان‌ها، برق، ارتباطات)، قطع حمل‌ونقل و ارتباطات، تصادفات هوایی و جاده‌ای و هزینه‌های پاک‌سازی شن و گردوخاک می‌شود. هزینه‌های بلندمدت شامل مشکلات مزمن سلامتی، فرسایش خاک و کاهش کیفیت خاک، آلودگی خاک از طریق رسوب آلاینده‌ها و اختلال در تنظیم آب‌وهوای جهانی است. خسارات اقتصادی ناشی از یک رویداد توفان‌های گردوخاک می‌تواند به صدها میلیون دلار برسد.

منابع گسیل گرد و خاک به ایران

صحراهای داخلی و پیرامونی زیادی منبع گسیل گردوخاک به ایران هستند. این، فارغ از بی‌شمار چاله‌ها، کویرها و تالاب‌هایی هستند که پیرامون سکونتگاه‌های بسیاری در فلات ایران قرار دارند و برخی به‌عنوان کانون‌های فعال هم‌اکنون در حال گسیل گردوخاک به مناطق هم‌جوار خود هستند. نگاهی به نقشه‌های پراکنش مناطق خشک، بیابانی در آسیا و خاورمیانه، جای‌گیری فلات ایران را در میانه گستره‌ای از بیابان‌های دور و نزدیک نشان می‌دهد. این به جای خود که خود ایران برخی از بیابان‌های مشهور جهان را در خود جای داده است. گرمایش کریند خشکی و بیابانی جهان است، تأثیر چشمگیرتری بر جای‌گذاشته است. تمام مطالعاتی که در دنیا درباره میزان گرمایش در این منطقه شده، این امر را تأیید می‌کنند. علاوه‌براین نرخ بیابان‌زایی هم درسطح جهانی و هم منطقه خاورمیانه درخورتوجه است. طبق گزارش سازمان ملل متحد میزان بیابان‌زایی ۳۰ برابر سریع‌تر از گذشته در حال افزایش است و به‌طور میانگین بین ۱۱ تا ۱۴ میلیون هکتار در هر سال به مساحت بیابان‌ها افزوده می‌شود. در هر روز تخریب اراضی با بیابانی‌شدن برای بشر حدود سه میلیارد دلار هزینه دارد. ناهنجاری‌های بارشی به‌ویژه کاهش درخورتوجه بارش‌های فصل سرد هم در مناطق مرتفع خاورمیانه، آسیای میانه و ایران، چه در مناطق کوهستانی مرتفع به‌عنوان آبخیزی‌ها دشت‌های پایین‌دست و چه در خود مناطق بیابانی، سبب ازدست‌دادن تنها منبع رطوبتی بسیاری از بیابان‌های منطقه شده است. این اتفاق به از دست دادن رطوبت و پوشش گیاهی سطحی و تضعیف انسجام بافت خاک منجر شده است. به بیان ساده‌تر، گرمایش مستمر و فزاینده در همراهی با ناهنجاری و کاهش بارش در منطقه، تعادل اکولوژیک متزلزل اکوسیستم‌های بیابانی را در هم شکسته است، بنابراین هم مساحت و هم توان تولید گردوخاک در بسیاری از مناطق بیابانی منطقه افزایش یافته است. این مسئله به‌ویژه در منطقه آسیای میانه شاخص‌تر بوده؛ منطقه‌ای که میزان برخی از بزرگ‌ترین بیابان‌های جهان است و براینند این اتفاق گسیل فزاینده گردوخاک به کرانه‌های جنوبی دریای کاسپین (تفess‌گاه مردم ایران) از این منبع از اوایل دهه ۱۳۹۰ شمس است.

در مجموع بر مبنای موقعیت جغرافیایی کانون‌های ورود گردوخاک به ایران، می‌توان هشت منطقه جغرافیایی را متمایز کرد. ۱- منطقه آسیای میانه، ۲- منطقه شمالی دریای کاسپین، ۳- منطقه قفقاز، ۴- منطقه میان‌رودان ۵- منطقه شام، ۶- شبه‌جزیره عربستان، ۷- پاکستان، ۸- شمال آفریقا ۹- فلات ایران (داخل).

کانون‌های گردوخاک وارده از آسیای میانه شامل: ۱- بیابان قره‌قوم، ۲- فلات توران در ازبکستان، ۳- دلتای ترک (ترکمنستان)، ۴- دریاچه آرال، ۵- بیابان قرل‌قوم، ۶- بیابان معین‌قوم و ۷- فلات اوست‌پورت است. کانون‌های گردوخاک وارده از شمال دریای کاسپین شامل بیابان‌های شمال غربی و شمال شرقی دریای کاسپین ۱- بیابان راین (روسیه)، ۲- دلتای رودخانه اورال، کانون‌های گردوخاک وارده از قفقاز شامل قیوستان آذربایجان، کانون‌های گردوخاک وارده از شبه‌جزیره عربستان شامل: ۱- ربیع الخالی، ۲- ارتفاعات عربستان سعودی، ۳- منطقه حضرموت، کانون‌های گردوخاک وارده از شام شامل

۱- صحرای سوریه و ۲- حوضه رودخانه اردن، کانون‌های گردوخاک وارده از شمال آفریقا شامل ۱- صحرای ساحلی سومالی، ۲- دره نوگال سومالی، ۳- صحرای داناکلی اتیوپی، ۴- دریاچه تانا اتیوپی، ۵- صحرای لبی، ۶- حوضه رودخانه نیل، ۷- فروافتادگی قطره (مصر) و ۸- شمال شرقی سودان، کانون‌های گردوخاک وارده از پاکستان شامل هامون ماشکل ارومیه ایران، ۱- صحرای ساحلی جنوبی ایران، ۳- جازموریان، ۴- دشت لوت، ۵- دشت کویر و…

خبر روز

غفلت و بی‌توجهی شایع‌ترین کودک‌آزاری

ایستنا: روان‌شناس و مسئول واحد صدای یارای انجمن حمایت از حقوق کودکان از برقراری ۲۰۳ مورد تماس با صدای یارا طی بهار امسال خبرداد و گفت: «بیشترین نوع کودک‌آزاری گزارش‌شده به این‌ واحد، مربوط به غفلت و بی‌توجهی بوده که نشان‌دهنده نیاز به افزایش آموزش والدین و نظارت حمایتی بر خانواده‌ها در شرایط آسیب‌پذیر است». سمیه امیدبی با ارائه گزارشی از عملکرد حمایت از حقوق کودکان، توضیح داد: «۲۰۳ مورد تماس با صدای یارا طی بهار امسال برقرار شده است که ۸۰ درصد از این تماس‌ها، متعلق به مادران، ۱۳ درصد متعلق به کودکان، چهار درصد متعلق به پدران، سه درصد متعلق به معلم و مربی کودک بوده است که در این میان ۴۰ درصد از تماس‌گیرندگان از طریق دوستان، ۲۱ درصد از طریق اینترنت، ۱۷ درصد از طریق بستگان و مابقی از طریق متخصصان، مؤسسات غیردولتی، سازمان‌های دولتی یا مهد و آموزشگاه‌های غیردولتی، سامانه ۱۴۸۰، ۱۲۳، مراکز غیردولتی و دولتی، شهرداری و بهزیستی با صدای یارا آشنا شده و تماس گرفته‌اند.» به گفته او، ۴۰ درصد تماس‌گیرندگان از تهران و ۵۹ درصد تماس‌ها از استان‌های کرمانشاه، شیراز، پردیس، شهرکرد، اصفهان، شیراز، زنجان، یزد، زاهدان و ورامین، پاکدشت، یزد و فیروزکوه بوده است: «حدود ۹۱ درصد خانواده‌ها به صورت هسته‌ای، ۹ درصد تماس‌گیرندگان از نوع خانواده‌های تک والد یا طلاق عاطفی و خانواده گسترده بوده‌اند.» مسئول واحد صدای یارای انجمن حمایت از حقوق کودکان در پاسخ به سؤالی درباره برترکارترین مسائلی که طی تماس با صدای یارا از سوی مادران مطرح شده است نیز یادآور شد: «درباره مسائل و مشکلات و گزارشات مربوط به کودک‌آزاری‌ها، ۳۸ درصد تماس‌ها مربوط به کودک‌آزاری‌ها به دلیل غفلت شامل تأمین‌نکردن نیازهای اولیه، رهاشدگی، کم‌توجهی تحصیلی یا بهداشتی، ۲۶ درصد به دلیل آزار روانی شامل تهدید، تحقیر، سرزنش مداوم، ترساندن کودک، ۱۹ درصد به دلیل تنبیه بدنی شامل کتک‌زدن، سیلی، بستن، محروم‌سازی فیزیکی، ۹ درصد مربوط به آزار جنسی، پنج درصد مربوط به آزار کلامی شامل فحاشی، ناسزا، القاب تحقیرآمیز و سه درصد مربوط به استثمار اقتصادی شامل واداشتن کودک به کار، تعدی‌گری از سوءاستفاده مالی است.»

به گفته او، در مجموع بیشترین نوع کودک‌آزاری گزارش‌شده مربوط به غفلت و بی‌توجهی بوده که نشان‌دهنده نیاز به افزایش آموزش والدین و نظارت حمایتی بر خانواده‌ها در شرایط آسیب‌پذیر است. او با اشاره به سهم مشکلات ارتباطی و اجتماعی کودکان از میان تماس‌ها، تأکید کرد: «۴۴ درصد از مشکلات ارتباطی و اجتماعی مربوط به مدرسه و مسائل ارتباط با دوستان و همسالان، ۲۶ درصد مربوط به عدم توانایی در برقراری ارتباط با دیگران و ۱۶ درصد مربوط به مسائل ناشی از اینترنت و فضای مجازی و ۱۲ درصد طردشدگی از طرف دوستان و اعتیاد بوده است.»

امیدی درباره تفکیک سن و مشکلات کودکان نیز توضیح داد: «از بین گروه سنی کودکان، ۱۲ درصد مشکلات مطرح‌شده مربوط به گروه سنی صفر تا پنج سال، ۳۲ درصد مربوط به گروه سنی شش تا ۹ سال، ۳۸ درصد مربوط به گروه سنی ۱۰ تا ۱۳ سال و ۱۸ درصد مربوط به گروه سنی ۱۴ تا ۱۸ سال بوده است. از این میان بیش مشکلات عمده گروه سنی صفر تا پنج سال (نویابان و پیش‌دبستانی) غفلت، بردفترای فیزیکی، بی‌توجهی به سلامت، مشکلات شایع مربوط به گروه سنی شش تا ۹ سال مربوط به تنبیه بدنی، اضطراب مدرسه، مشکلات یادگیری، انزوا یا خسونت خانگی، مشکلات شایع مربوط به گروه سنی ۱۰ تا ۱۳ سال (نوجوانی آغازین) مربوط به بلوغ زودرس، تعارض با والدین، اضطراب، خشم و پرخاشگری، رفتارهای پرخطر و مشکلات گروه سنی ۱۴ تا ۱۸ سال (نوجوانی میانی و پایانی) که کمتر از دیگر گروه‌ها تماس گرفته شده اما موارد ارجاعی عموماً شدیدتر و پیچیده‌تر هستند، مربوط به آزار، فرار از خانه و اختلال هویت بوده است.»